

دارد و این اعتماد کردن برای مارال فاجعه تراژیک را رقم می‌زند.  
**در «مرگ تدریجی یک رویا» با تعدد ادای از بهترین‌های بازیگری همکاری داشتید این مسئله برایتان چه دستاوردهایی داشت؟**  
 این برایم حائز اهمیت و مثبت بود.

**چالشی برای بازیگران جوانی که شروع کارشان با یک فیلم و سریال قوی و درجه یک است و به شهرت می‌رسند وجود دارد که در ادامه کارشان برای انتخاب سایر نقش‌های پیشنهادی دچار تردید می‌شوند. شما با این مسئله چگونه برخورد کردید؟**

خیلی‌ها بعد از «مرگ تدریجی یک رویا» به من می‌گفتند که باید در انتخاب‌هایم دقت زیاد و حرکت رو به جلوی داشته باشم. بعد از این سریال پیشنهادات زیادی برای بازی داشتم.  
**آیا برای رد و یا قبول پیشنهادات با کسی هم مشورت می‌کردید؟**

با آقای فریدون جیرانی مشورت‌هایی داشتم. اما تصمیم گیرنده نهایی خودم بود و ترجیح دادم بلافاصله کاری را قبول نکنم و با منطق و آهسته و با تامل انتخاب کنم.

**به چه دلیل در سایر ساخته‌های جیرانی در سینما بازی نکردید؟**  
 پیش نیامد.

**شما از جیرانی نخواستید که در سایر کارهایش بازی کنید؟**  
 نه، هیچ وقت چنین کاری را انجام نمی‌دهم.

**خیلی از بازیگران هستند که به بهانه‌های مختلف با کارگردانها تماس می‌گیرند تا در تیر رس انتخاب‌شان قرار بگیرند. آیا شما چنین رویه‌ای را قبول ندارید؟**

این نوع کارها را قبول ندارم. موقعی که متوجه می‌شوم دوستان کارگردانم که در گذشته با آنها ارتباط داشتم در حال پیش تولید هستند اصلا تماسی با آنها نمی‌گیرم تا شائبه‌ای پیش نیاید.

**اتخاذ چنین رویه‌ای در سینما و تلویزیون باعث دور شدن از بازیگری می‌شود. با این چالش چگونه برخورد می‌کنید؟**  
 درست است و باید با تبعاتش کنار آمد.

**بعد از «مرگ تدریجی یک رویا» در سریال متوسطی به نام «آواز در باران» بازی کردید. بر اساس چه ویژگی‌هایی بازی در این سریال را پذیرفتید؟**

داستان سریال برایم جذابیت داشت و نکته مهم دیگر حضور بازیگران با سابقه و شناخته شده در این کار و وجود مثلث عشقی پیش برنده درام داستان بود.

**البته کارگردان «آواز در باران» صدرالدین شجره انسان فرهیخته و با دانشی بود؟**

بله متانت و دانش آقای شجره در طول کار نمایان بود و همکاری خوبی با ایشان داشتم.

**انتخاب بعدیتان هم یک سریال متوسط به نام «خانه بی پرده» بود. چه عواملی باعث شد در این سریال بازی کنید؟**

این سریال در زمان نمایشش در تلویزیون مورد استقبال مخاطب قرار گرفت و موضوعش - گم شدن دختر بچه - برای خیلی‌ها جالب توجه بود و مردم در طول داستان منتظر رسیدن این دختر به پدر و مادرش بودند.

**در این نوع کارها بازیگران نقش مقابل در کارتان چقدر اثر گذار هستند؟**

معتقدم اینکه بازیگر رو به رو چه کسی است زیاد تعیین کننده نیست. نکته مهم همراهی است.

**همان‌بده بستن‌های بازیگری؟**  
 بله، برای من این همدلی و تعامل خیلی مهم است.

**بیشتر تمایل دارید تکنیکی بازی کنید یا حسی نقشتان را ایفا کنید؟**

بسته به قصه و جنس و نوع نقش دارد و خودم را مقید به وفادار بودن به شیوه خاصی نمی‌کنم.

**آیا در سریال‌هایی مثل «خانه بی پرده» و «آواز در باران» حسی به سراغ ایفای نقشتان رفتید؟**

بله، حسی انجام شد. قطعاً دانستن تکنیک و استفاده‌اش خیلی کمک حال بازیگر است. تلقیق شیوه‌های بازیگر می‌تواند راهگشای بازیگر در کارش به موقع لزوم باشد.

**در آن سالها چقدر پیشنهادات بازی در سینما داشتید؟**  
 فیلمنامه‌هایی پیشنهاد شد که با ذائقه و سلیقه‌ام جور نبود.

**آیا اگر یک فیلمنامه‌ای برای بازی به شما پیشنهاد شود که کارگردان درجه یک و مطرحی داشته باشد، اما از قصه فیلم خوشتان نیاید باز هم پیشنهاد را رد می‌کنید؟**

تا به حال در چنین موقعیتی قرار نداشته‌ام که بتوانم جواب دقیقی به شما بدهم.

**در ملودرام جذاب و پر مخاطب آن هم با یک کارگردان کهنه کار (جواد افشار) همکاری کردید؟**

آقای جواد افشار کارش را بلد است و همکاری با ایشان لذت بخش بود و یکی از ویژگی‌های خوب ایشان این است که اهل گفت‌مان با بازیگر هستند و می‌شنیدند در این باره با بازیگر بحث تعامل می‌کنند و برای گفته بازیگر ارزش قائل هستند. داستان «آنام» یک داستان خانوادگی جذاب طبقه متوسط ایرانی بود. سریالی که برای مخاطب انبوه تلویزیون تولید می‌شود باید المان‌های سرگرم کننده برای هر قشری را داشته باشد. درست بر خلاف سینما که مخاطب به میل خودش فیلم را برای دیدن انتخاب می‌کند. سریال «آنام» قدرت جذب مخاطب حداکثری را داشت.

**با توجه به اقامتتان در خارج از کشور آیا از آنجا هم پیشنهاد بازی داشتید؟**

چند پیشنهاد داشتم. اما در ایران بازیگر شدم و ایرانی هستم و دلیلی هم برای حضور در این فیلمها را ندارم.

**به هر حال در کشورهای حاشیه خلیج فارس کمتر فیلم شاخصی ساخته می‌شود؟**  
 من به این مسئله فکر نمی‌کنم.

**بازی در فیلمهای خارجی این چالش را هم دارد که شاید دیگر نتوانید در ایران به بازیگری بپردازید؟**

چون به کل مخالف این قضیه بودم به این قضایا فکر نکردم.

**اینکه به واسطه فعالیت شغلی‌تان نیاز مالی ندارید که هر پیشنهاد بازیگری را قبول کنید. آیا این مسئله باعث کم کاریتان شده است؟**

خوشبختانه من به واسطه شغلم نیاز زیادی به دستمزد بازیگری‌ام ندارم و منتظر پیشنهادات خوب می‌مانم و این قضیه حق انتخاب وسیعی به من می‌دهد.

**یکی از نقش‌های دیگر شما نقش دختر تحصیل کرده سریال «تروور خاموش» است. این نقش برایتان چه دستاوردهایی داشت؟**

الهه سریال «تروور خاموش» جزو نقش‌های محبوبم است. الهه در اصل یک جور روی دیگر مارال عظیمی سریال «مرگ تدریجی یک رویا» است که شخصیت مستقل و خود محوری دارد؟

الهه دختر مستقلی است که از خانواده جدا شده و تنها زندگی می‌کند و در مقطعی به دلیل رفتارهای پدر به انتقام فکر می‌کند اما راه را اشتباه می‌رود.

**الهه را منفی دیدید یا خاکستری؟**  
 موقعی که برای نشان دادن خود و یا انتقام گیری وارد راه غلط می‌شوید، شخص قربانی محسوب می‌شوید.

**یعنی شما الهه را قربانی می‌دانید تا شخصیتی منفی؟**  
 الهه دختر باهوش و تحصیل کرده‌ای است و بنا به شرایط محیطش وارد چنین چرخه‌ای شده است.

**با توجه به دیدگاه‌های فکری الهه او مادرش را که زندگی سنتی دارد و کنج خانه مشغول آشپزی و خانه داری است را با دید ملامت نگاه و رفتارهایش را نقد می‌کند.**

الهه دیدگاه نقادانه‌ای نسبت به مادرش دارد و به نظرم الهه دختر عصیان‌گری است.

**آیا در حین تمرینات و ادامه شروع کار درباره الهه پیشنهاداتی ارائه کردید؟**

در فیلمنامه، الهه این گونه شخصیت پردازی شده بود و در طول کار و حین بازی و اجرا من و کارگردان به نقاط مشترکی درباره شخصیت الهه رسیدیم که شخصیتش جذاب‌تر بشود و برخی از خصلت‌های الهه پررنگ و برخی کم رنگ‌تر شد. به نظرم پروسه دورخوانی محلی برای همفکری بین کارگردان و بازیگر است تا نقش تکامل پیدا کند.

**آیا به مافیای بازی در انتخاب بازیگران در سینما و تلویزیون اعتقاد دارید؟**

من هم در این باره مطالبی را شنیده‌ام. اما دایره ارتباطاتم با همکارانم محدود است و نمی‌توانم در این باره اظهار نظر قطعی داشته باشم.

**آیا برای خودتان این سوال پیش نیامده که چرا در سینما کمتر پیشنهادات کاری به شما انجام می‌شود؟**

برای من هم سوالاتی از این دست پیش می‌آید ولی نمی‌توانم بگویم در زمینه انتخاب بازیگر مافیایی وجود دارد و یا ندارد.

**آیا با کارگردان‌هایی که کار کرده‌اید در این باره سوالاتی**

**نکردید؟**

من در این باره سوالاتی از دوستان کارگردان نکرده‌ام. پروسه انتخاب بازیگر در سینما تابع شرایط خودش است.

**در فیلمهای اجتماعی دهه هشتاد و نود نام‌هایی مثل باران کوثری، صابر ابر، ترانه علیدستی و... همیشه وجود داشته.**

متوجه هستم. این سوال را باید دوستان تهیه کننده و کارگردان جواب بدهند. این دوستان هستند که برای فیلم‌هایشان بازیگر انتخاب می‌کنند. باید چرایی این موضوع به صورتی شفاف بشود و اتفاقاً خبرنگاران این سوال را به جای اینکه از کارگردان‌ها بپرسند معمولاً از ما بازیگران می‌پرسند.

**یعنی شما به خبرنگاران در این قضیه نقدی وارد می‌کنید؟**  
 نقدی ندارم و برایم مهم است که دوستان خبرنگار پرسشگری انجام بدهند.

**به عنوان خبرنگار با چند دوست کارگردان بابت این قضیه صحبت کردم و اغلب این دوستان پاسخ دادند ترجیح می‌دهند با تیمی کار کنند که با آنها در طول سال در ارتباط هستند و مراد و رفت و آمد دارند.**

**شما چند سال قبل در فیلم پر بازیگر «تحت نظر» بازی کردید. آیا نترسید بازی در چنین فیلم‌های پر بازیگری باعث کمتر دیده شدن شما شود؟**

به هر حال بازی در این نوع فیلمها یک چالش است و در ضمن برای من در حکم یک چالش شیرین بود.

**از چه نظر چالش شیرینی بود؟**

برای اولین بار بود که در فیلم کم‌دی بازی می‌کردم و همبازی شدن با بازیگرانی مثل آقای رضا عطاران یک افتخار بود. محیط حرفه‌ای بود و خوشحالم که توانستم این محیط را تجربه کنم.

**بازی کردن جلوی بازیگری مثل رضا عطاران که استاد کم‌دی است برایتان که تجربه این کار را نداشتید چقدر دشوار بود؟**

برای تجربه کردن همیشه یک بار اولی وجود دارد که باید به سراغش رفت و از استرس و تردید دور ماند.

**آیا تجربه موفق بود؟**  
 تجربه خوبی بود.

**کار کردن با کارگردانی چون مجید صالحی که خودش بازیگر است چگونه بود؟**

جذاب و رضایت بخش بود و ایشان به زیر و بم‌های بازیگری آشنا است.

**در «ناک‌اوت» با یک کارگردان زن کار کردید و**

**برایتان جایزه بهترین بازیگری را از جشنواره بین‌المللی فیلم‌های ورزشی به ارمان آورد. این همکاری چگونه بود؟**

من با هر نوع کارگردانی کار کرده‌ام و فیلمنامه «ناک‌اوت» خاص و بر محوریت زنانگی بود.

